

بنادر بحر خزر بود. در ۱۸۹۵ وزارت دارائی روسیه خواستار اقدامی در این باره بود، ولی تا ۱۹۰۵ هیچ کار مؤثری نشد. بین ۱۹۰۵ و ۱۹۱۳ روسیه یک میلیون و سیصد هزار روبل برای توسعه انزلی خرج کرد. مشکل عمده مواد زائدی بود که از راه رودخانه‌ها و بوسیله طوفانهای زمستانی به مرداب منتقل میشد. مهندسین روسی دو سد در مرداب ساختند که کار را خرابتر کرد، زیرا در پشت سدها شن جمع میشد و پس از چند سال آنجا پر میشد. پیش از آغاز جنگ بین الملل اول روسیه در نظر داشت بین دو تا پنج میلیون روبل برای تخلیه و ساختمان انزلی خرج کند. آنچه تا آنوقت شده بود بی‌نقشه و ناقص بود و خرابی بندر حتی برای راه تهران بد بود.^{۳۶} نتیجه سیاست راهسازی دولت روسیه و بانک هر دو زیاد روشن نبود و دلیلی در دست نیست که قبول کنیم راهسازی تجارت روسیه را توسعه زیادی داده. فایده استراتژیک آن هم بعد بعثت برانگیختن مخالفت ایرانیها و وضع ناآرامی سیاسی که ایجاد میکرد معلوم نبود.

اقدام دیگری که از نظر سیاسی موفقیتی نداشت، ولی از نظر اقتصادی بنفع روسیه بود قرارداد گمرکی روس و ایران بود که در ۱۹۰۳ بموقع اجرا درآمد. کنترل گمرک توسط خارجیها برای میلیون ایران تحقیر آمیز بود و چون روسها بلژیکیها را تأیید میکردند، همه آنها مورد تنفر بودند. عده‌ای معتقد بودند که بلژیکیها در واقع بجای روسها کار میکنند. عده دیگر مثل ادوارد براون

معتقد بودند که آنها بازیچه روسها بودند. بدینجهت طبیعی است که بلژیکیها متهم بعقد قرارداد گمرکی بنفع روسها بودند. هنوز هم در کتابهای غرب نوشته میشود که نوز مستخدم بلژیکی ایران برای جلب محبت روسها منافع ایران را ارزان فروخت، ولی حقیقت اینست که روسیه برای دادن قرض هیچ فشاری در مورد تجدید نظر تعرفه گمرکی به ایران نیاورد و نوز هم حقی از ایران را ساقط نکرد. این ابتکار ایرانیان بود که برای ازدیاد درآمد گمرکی میخواستند تعرفه گمرکی کالای وارداتی اضافه شود.

روسیه و ترکیه ملت‌های کامله‌الوداد بودند و تعرفه خاص با ایران داشتند و تغییر تعرفه گمرکی موافقت آنها را ایجاب میکرد. وقتی این موافقت بدست آید دیگر کشورها ناچار بمتابعت بودند، بدون اینکه نوز دخالتی در این کار داشته باشد. ایران به روسیه پیشنهاد کرد که تعرفه را طوری تغییر دهند که برای روسیه مفید باشد. روسیه از چندین سال پیش خواستار تغییر تعرفه بود. تغییر تعرفه وضعی ایجاد میکرد که بتوان نرخ بیشتری برای کالای اروپائی گذاشت که روسها بتوانند با آن رقابت کنند. شاید روسیه امیدوار بود تسهیلات بهتری هم برای جمع آوری درآمد گمرک بدست آورد و تبعیضات معمولی که برای برخی بازرگانان کوچک بود از میان برود.^{۳۸}

مذاکراتی که بعمل آمد ناخوشایند بود. ایرانیان در عمل اشتباه کردند. نوز باید آنرا اصلاح میکرد که موفق

نشد. چون گرفتن قرضهٔ دوم بسته به نتیجه مذاکرات تعرفه گمرکی بود. نتیجهٔ آن تسلیم بود. از این جهت نوز نشان داد نه تنها دست‌نشاندهٔ روسها نیست، بلکه در مذاکرات مجدانه سعی کرده است. Gulubev گلوبف که نمایندهٔ وزارت دارائی روسیه در مذاکرات بود مینویسد: «برای تأمین منافع صادراتی خودمان نفت و مواد مستخرجه از آن در ردهٔ اول قرار دارد. مذاکره دربارهٔ نرخ تعرفهٔ آن خیلی سخت بود و مشکلاتی ایجاد کرد. برخلاف نظر آقای نوز، من سعی در تقلیل گمرک داشتم»^{۳۹}... نوز بتقلیل نرخ تعرفهٔ گمرک برخی کالاهای پنبه‌ای نیز ایراد داشت. گلوبف گزارش میدهد که کمبود آنرا میتوان از افزایش نرخهای دیگر تأمین کرد و ضرری بروسیه نمیرسد.^{۴۰} در اکتبر ۱۹۰۱ مذاکرات منجر به قراردادی شد که در ۱۳ فوریه ۱۹۰۳ به اجرا درآمد. انگلستان نسخه‌ای را امضا کرد، سایر کشورها هم تبعیت کردند.^{۴۱} تعرفهٔ تازه جانشین نرخ پنج درصد قیمت شد که بوسیلهٔ پیمان ترکمانچای مقرر شده بود. تعرفهٔ جدید سه قسمت بود. یک‌صورت نرخ برای کالاهای وارداتی که برحسب وزن حساب میشد. این قسمت گمرک شکر روسی را ۲ درصد، نفت را ۴ درصد و کبریت را ۴ درصد میکاست. تعرفهٔ برخی کالاهای پنبه‌ای سنگین (که بیشتر از اروپا وارد میشد) ۸ درصد اضافه شد و گمرک چای صد درصد. قسمت دیگر مربوط به برخی کالاهای صادره به روسیه بود، در حالی که نرخ تعرفهٔ کالاهائی که بازرگانی روس و

ایران را تشکیل میداد تقریباً در همان حدود ۵ درصد سابق باقی میماند. گمرک کالاهای وارداتی اضافه میشد. تجارت روسیه با ایران بیشتر کالاهای مورد لزوم و کمتر لوازم لوکس بود و میتوان گفت تعرفهٔ جدید برای جلوگیری از لوکس بود، با اینکه تعرفهٔ بیازرگانی غیر روسی لطمه میزد، ولی این تنها هدف آن نبود بلکه اصلاح و رفع عدم توازن تجارتي ایران بیشتر مورد نظر بود. با کاستن یا حذف حقوق گمرکی کالای صادراتی مواد خام و مواد غذائی صادرات تشویق میشد. این تخفیف بنفع روسها بود که ۶۱ تا ۷۰ درصد صادرات ایران را دریافت میکردند. در نتیجه تجارت روس و ایران افزایش یافت. آنها که علاقه‌مند بمطالعهٔ اقتصاد روسیه تزاری هستند، ملاحظهٔ نقص آماری که کارمندان آن زمان برای جلب رضایت مافوقها بهم پیوسته و ساخته‌اند خیلی ناراحت کننده است. از این نظر تزارها و کمیسرها یکسان هستند. با اینکه اغلب اوقات آمارها ناصحیح است. آنها را بکلی نادیده گرفتن و بکار نبردن مشکل بزرگی است. نویسنده معتقد است که آمار گمرکی تجارت امپراطوری روسیه با ایران تا حد زیادی قابل قبول است، زیرا اولاً نرخ تعرفه آنقدر پائین بود که قاچاق صرف نمیکرد. بعلاوه نویسنده صدها سفرنامهٔ مربوط به آن قرن را خوانده، ارقامی که مسافرین نقل میکنند یا در گزارشهای کنسولی منعکس است، با ارقام آمار گمرکی تقریباً مطابقت دارند. همچنین معتقد است بعد از نیمهٔ ۱۸۸۰ ارقام آمار

روسیه برای صادرات به ایران دقیق‌تر است، زیرا این ارقام برای دریافت کمک مالی دولت بکار میرفته. با وجود این مقدار زیادی از کالاهای روسی بقاچاق از ایران به روسیه برمیگشت. بنابراین افزایشی که ارقام نشان میدهد واقعیت را نمی‌نمایاند.

ارقام مربوط بصادرات ایران به روسیه قابل بحث است. شاید از نظر ارزش قابل قبول باشد، ولی جنس اروپائی که از ایران بقفقاز و آسیای مرکزی از راه قاچاق میرفت تا اواخر ۱۸۸۰ تقریباً بهمان مقدار از ارزش کالائی بود که از راه قانونی میرسید. از نظر تجزیه و تحلیل تجارت روسیه با ایران این ارقام اهمیت زیادی ندارد، ولی اگر تهیه صورت پرداختها در نظر باشد باید این ارقام را منظور داشت. در اواخر ۱۸۸۰ با تنظیم مقررات و کنترل سرحدها مقدار زیادی از قاچاق کاسته شد، ولی هیچوقت بکلی جلوگیری نشد. بعد از ۱۹۰۳ همانطور که میدانیم تعرفه از وضع قبلی که براساس قیمت بود به وزن تغییر مییابد و کمتر از سابق دقیق است، زیرا در این روش ارقام مربوط به وزن دقیق‌تر و قیمت‌ها را برای اینکه بتوانند گرانتر بفروشند بیشتر اعلام میکردند. وارد کنندگان و صادر کنندگان هیچیک قیمت صحیح نمیدادند زیرا مبدء پرداخت گمرک نبود، ولی وزنها دقت بیشتری داشت.

آماری که از طرف گمرک ایران بعد از ۱۹۰۱ مستقلاً تهیه و منتشر شده وسیله خوبی برای تعیین دقت ارقام

روسیه است.^{۴۴}

همانطور که میتوان انتظار داشت اختلاف زیاد است و توضیح زیر علت برخی از اختلاف را که در جدول ۵ دیده میشود روشن میکند. درحالی که نمیتوان تصور کرد که هر دو رقم مربوط به یک موضوع باشد.

۱- از ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۳ ارقام روسیه همواره کمتر از ارقام آمار ایران است.

۲- آمار ایران مرتباً يك ترايد بازرگانی با روسیه را نشان میدهد. ارقام روسیه از ترايد فوق‌العاده ۱۸۹۲ تا ۱۹۰۳ به يك ترايد مرتب تبدیل میشود، در صورتی که آمار ایران از ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۸ ترايد آرام دارد. بعد از ۱۹۰۸ ارقام روسیه با يك ازدياد تند به ارقام ایران تقریباً نزدیک میشود.

۳- ارقام روسیه نشان میدهد که صادرات ایران به روسیه بین ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۷ با يك تنزل مختصر ثابت میماند. ارقام ایران يك ترايد تند و دائمی را نشان میدهد که در ۱۹۰۴ و ۱۹۰۷ و ۱۹۱۰ قطع میشود. ارقام ایران در ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ ترايد نشان میدهد، درحالی که ارقام روسیه تنزل میکند. فقط در ۱۹۱۳ ترقی زیاد دارد.

۴- ارقام ایران ازدياد واردات از روسیه بین ۱۹۰۱ و ۱۹۰۶ را مینمایاند، درحالی که ارقام روسیه يك منحنی یکنواخت‌تری را دارد و هر دو در ۱۹۰۷ و ۱۹۰۸ تنزل کرده و بعد ترقی تندی دارند، ولی ارقام روسیه تندتر از ارقام ایران زیاد میشود.

پس دلیل این اختلاف چیست؟ درحالی که هر دو آمار نشان دهنده يك موضوع است. يك علت اینست که سال مالی روسیه از روی تقویم فرنگی است، درحالی که ایران از اول مارس تا ۲۸ فوریه را در نظر میگیرد. (تصور میشود منظور ۲۱ مارس تا ۲۵ مارس باشد که سال شمسی ایران است - مترجم) مقداری از اختلاف ناشی از این امر است. ارقام روسیه بیشتر توسعه اقتصادی روسیه را تأیید میکند که در سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۸ توسعه صنعتی کند و بعد از آن یکباره زیاد شد.^{۴۵} جمع آوری درآمد گمرک و مدیریت بازرگانیها سبب ازدیاد ارقام درآمد و پرداخت گمرک در سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۳ نتیجه بهبود وضع اداری زیر نظر بلژیکها بود که میتوان گفت تا ۱۹۰۶ ادامه داشت. بعد از ۱۹۰۶ آمار روس و ایران تقریباً مشابه هستند فقط ارقام روسی تراید تندتری دارند که شاید نتیجه روش محاسبه باشد.

اما اختلافهای بزرگ را نمیتوان علت ساده ای فکر کرد، شاید قسمتی مربوط به طرز محاسبه باشد. ارقام روسی شامل کالای ترانزیتی یا کالای ایرانی هست. در آمار ایران تمام اینها بحساب روس گذاشته شده. همچنین آمار روسی شامل ارزش طلا و نقره ای که به ایران صادر یا به آنجا وارد شده نمیشود، در صورتی که در آمار ایران اینها هم منظور شده است. اگر در محاسبات این ارقام همچنین از آنچه از قسمت روسی بحساب نیامده منظور داریم آمارها نزدیکتر میشوند. فقط همانقدر باقی میماند

که مربوط به صادر کنندگان ایرانی بوده که قیمت کالا را در گمرک ایران کمتر و در گمرک روسیه بیشتر اظهار میگردید.^{۴۶} نویسنده ارقام مربوط به وزن هر دو گمرکخانه را با هم سنجیده و آنها را نزدیک و مشابه یافتیم و به این نتیجه رسیدیم که اختلاف مربوط به قیمت های غیر واقعی منعکس در اظهارنامه گمرکی است. علت دیگر اختلاف بی اعتنائی هر دو گمرک درباره کالاهائی بوده که بدان گمرک تعلق نمیگرفته، در صورتی که هزینه حمل و بیمه و کمیسیون و غیره ضمن ارقام مربوطه منظور میشده است، درحالی که در گمرک ورودی فقط قیمت جنس اعلام میشده است.^{۴۷}

پس میتوان گفت که آمارها یکسان و برای منظور محاسباتی که داریم کافی است. در بازمانده این بحث ارقام ایران را نویسنده بکار برده، زیرا تقسیم بندی آن ساده تر از تقسیمات گمرک روسی است و از آن میتوان سهم روسیه را در نظر گرفت.

از نکات جالب بررسی این آمار در مورد مسئله ایران که اصل مطلب این رساله است، اینکه کلیه منابع آمار اعم از ایران، بلژیک، انگلیس، روس یا فرانسه نشان میدهد که توازن پرداختها همواره بضرر ایران بوده و تنها آماري که در دست داریم (جدول ۶) این موضوع را روشن میکنند، ولی آثار این عدم توازن پرداخت دیده نمیشود. بعقیده «یگانگی» ارزش پول ایران که براساس نقره بود با ارزش بین المللی آن تغییر می یافت و ازدیاد

یا فقدان اعتبار در ایران در ارزش بین‌المللی آن منعکس
نمیشد.^{۳۸}

نویسنده بعد از افت زیاد در این ارقام به این نتیجه
رسیده که توازن پرداختها که ظاهراً بضرر ایران است
از طریق درآمدهای مخفی از قبیل قرضها - سرمایه‌گذاری
های خارجی - پولی که زوار در مشهد (هر سال ۷ تا ۸
میلیون روبل) و سایر جاها خرج میکردند - آنچه که
نمایندگیهای خارجی برای مصرف اداری یا فرهنگی
خرج میکردند - دستمزد پرداختی خارجیها به کارگران
ایرانی - پول هنگفتی که روس و انگلیس بعد از ۱۹۰۹
خرج قوای خود در ایران میکردند (تا ۱۹۱۴ تعداد قوای
روسی در شمال ایران به ۲۵ هزار نفر رسیده بود) رشوهای
که دارندگان امتیازها میپرداختند - پولی که توریست‌های
خارجی خرج میکردند - حق الامتیاز رسمی که بابت امتیازها
بشاه پرداخت میشد، این کمبود توازن را مرتفع میساخت.
در آمارها يك رقم بسیار مهم صادراتی ایران بحساب
نیامده، آن هم کارگر است. ارقامی که نویسنده بدست
آورده کامل نیست، ولی میتواند ادعا کند که بین سالهای
۱۸۷۶ و ۱۸۹۵ بطور متوسط هر سال سیزده هزار نفر
ایرانی وارد روسیه شده و برای گرفتن گذرنامه پول
زیادی میپرداختند و اغلب اینها کارگر ساده بودند. وقتی
مقررات صدور گواهی عبور کوتاه مدت که ارزان بود
برقرار شد تعداد کارگران افزایش یافت. در ۱۸۹۶
پنججاه و شش هزار و سیصد و هیجده نفر ایرانی از راه

قانونی و از سرحد آسیائی آن وارد روسیه شد.^{۵۰}
تحقیقات نویسنده در ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۳ کاملتر است.
تعداد زیادی هم به ترکیه و هند رفتند. این ارقام فقط
مربوط به آنها است که تقاضای گذرنامه یا گواهی عبور
کردند. منابع مختلف نشان میدهد، که با اطمینان میتوان
گفت همین تعداد هم بطور غیر قانونی سفر میکردند. در
نتیجه مثلاً Sobotsinskii میگوید در ۱۹۱۱ يك تعداد
دویست هزار نفری دیگر هم بوده‌اند. بدون تردید کمتر
کارگر شمال ایران بود که حداقل یکسال در روسیه
زندگی نکرده باشد و تا ۱۹۱۵ تعداد زیادی از کارگران
شاید بیست تا سی درصد که در نفت باکو کار میکردند
ایرانی بودند. کارگران در مراجعت با خود پول
می‌آوردند. طبق برآورد مینورسکی V. E. Minorski
شصت هزار نفری که به آذربایجان باز میگشت در حدود
(۱/۸۵) يك میلیون و هشتصد هزار روبل با خود می‌آورد و
A. Khashchab مینویسد که ایرانیهای مقیم روسیه
سالیانه دو میلیون روبل به ایران میفرستادند.^{۵۱}
اگر نوشته مینورسکی و خشاب و سوپونسینسکی
درست باشد، در سال ۱۹۱۳ این مبلغ به ۱۴ میلیون روبل
میرسد. راههایی برای رسیدگی این ارقام هست. در حدود
۱۹۰۹ پانك روس سالیانه تقریباً ۳ میلیون روبل برای
کارگرانی که مراجعت میکردند تبدیل میکرد. وقتی رقم
مربوط ببازار را بدان اضافه کنیم به رقم ۶ میلیون روبل
میرسیم که از سایر منابع هم تأیید میشود.^{۵۲}

رقم دیگری که مربوط به توازن پرداخت ایران میشود کالاهائی است که بقاچاق خارج میشود است. میتوان قبول کرد که آنچه از این راه در سرحد افغانستان مبادله میشود بنفع ایران بود، ولی مبادله با ترکیه و خلیج فارس منفی بوده است. آنچه از خلیج فارس وارد می‌گردید ترانزیت به افغانستان و سرحد شمالی هند و آسیای مرکزی و قفقاز میشد. خرید و فروش اسلحه در خلیج زیاد بود. تفنگ‌ها به موکران (مکران)، سیستان و خراسان و ترکستان میرفت. قاچاق کنندگان در آذربایجان و کردستان مرتباً اسلحه به قفقاز منتقل میکردند - يك محمولهٔ یکهزار و دویست قبضه تفنگ قاچاق در موقعی که از طریق آذربایجان به ارمنستان ترکیه فرستاده میشد توقیف شد. میتوان حدس زد که چه تعدادی بمقصد رسیده است. روسها در ادسا تفنگ خریده از راه ترابوزان به آذربایجان و سپس از شمال ایران به ترکستان می‌فرستادند. در ۱۹۰۳ قیمت يك تفنگ Berdan در حدود یکصد روبل، تفنگ عالیتر سیصد تا چهارصد روبل بود. ترکمنهای یموت یکصد فروند کشتی بادبانی داشتند که با آنها مشغول قاچاق به روسیه بودند و در بحر خزر بین Chikishliar و Krasnovodsk در حرکت بودند. در مقابل اینها، فقط يك کشتی از ناوگان بالتیک سرحد جنوب شرقی دریا را زیر نظر داشت که اگر تأخیری هم ایجاد میکرد این تجارت را متوقف نمیکرد.^{۵۳}

طبق نوشته‌های روسی ده درصد این واردات قاچاق

بروسیه باز میگشت. کالاهای دیگری که در لیست قاچاق و تجارت غیر رسمی روسیه دیده میشود، چای، ابریشم و تریاک است و رویهمرفته قاچاق اسلحه در مقابل کالاهای دیگر غیر قابل توجه بود. قاچاق امری پرمفعت و بسیار مرتب بود و قانون گرشام Gresham سبب شد که قران نقرهٔ ایران هم به لیست قاچاقها افزوده شد و به آسیای مرکزی برده میشد و بانک انگلیس با کمک این قاچاق پایدار ماند. مؤسسات متعددی در خراسان بحدی در این قاچاق فعالیت داشتند که وقتی برای مدت کوتاهی جلو آن گرفته شد آن مؤسسات ورشکست شدند. نفع حاصل از فروش قران بعلت اضافه ارزش قران نسبت به روبل در آسیای مرکزی بود. روبلهای حاصل از فروش قران را به ایران برده به قران تبدیل میکردند، یا در بازار مکارهٔ نژنی گورود تبدیل بکالا میکردند. Mannonov مانه‌نف مینویسد: در هر گردش پول ده درصد استفاده بود. در هر سال این گردش چند بار تکرار میشد.^{۵۴} با توجه به مطالب بالا نتیجه میگیریم که بازرگانی ایران و روسیه چنانکه آمار نشان میدهد توازن داشته و بضرر ایران نبوده است.

تجارت ایران از نظر اقتصادی برای روسیه مهم نبود، بلکه وسیلهٔ اجرای مقاصد سیاسی بود. بین ۱۸۹۰ و ۱۹۱۳ هر سال صادرات روسیه به ایران $\frac{۲}{۱}$ تا $\frac{۳}{۸}$ درصد مجموع صادرات روسیه را تشکیل میداد و واردات $\frac{۳}{۴}$ تا $\frac{۴}{۴}$ درصد کل بود.

ایران در ردیف هشتم تا دهم بازرگانی روسیه بود. داد و ستد در مززهای آسیائی قسمت کمی از معاملات روسیه بود. با وجود این روسیه در توسعه تجارت با ایران حتی بقیمت لطمه زدن بروابط با سایر کشورها سعی میکرد. و این نشانه مقاصد سیاسی بود که داشت. تجارت وسیله و مقیاس نفوذ سیاسی بود، بنابراین روسیه از هر وسیله برای توسعه بازرگانی استفاده میکرد. هر بازرگان یا کالای روسی در بازار نشانه وجود یک کنسولگری برای دفاع و پشتیبانی از آن بود و بهمین جهت وقتی افسران روسی گزارشهای سیاسی تهیه میکردند، صورت اسامی مؤسساتی را که با روسیه معامله داشتند میافزودند. از مثلهای روسی بود که پرچمداران در پی بازرگانان میرسند و روسها میخواستند این مثال را در ایران بطور کامل اجرا کنند.^{۵۵} این روش اقتصادی تاحدی صحیح بود. اگر رقم بازرگانی ایران برای روسیه مهم نبود، برعکس این تجارت برای ایران مهم بود و بازرگانی روسیه رکن مهمی در اقتصاد ایران داشت.

ارزش واقعی ایران در اقتصاد روسیه روشن نیست. ایران مهمترین خریدار برخی محصولات روسیه بود. برخی از صنایع روسیه که از حمایت دولت برخوردار بودند میتوانند اضافه محصول خود را بیبازار ایران بفرستند تا سطح قیمت را در روسیه حفظ کنند. براساس آمار واردات ایران از روسیه بیش از واردات از سایر کشورها بود. انگلیس و هند مقام دوم را داشتند و ترکیه،

فرانسه، آلمان بعد از آنها می آمد.

ارقام صادرات ایران نشان میدهد که چقدر محتاج و وابسته بیبازار روسیه بود. روسیه بیش از نصف صادرات ایران را دریافت میکرد. صادرات به روسیه از ۱۶ میلیون روبل در ۱۹۰۱-۱۹۰۲ به ۵۴ میلیون روبل در ۱۹۱۲-۱۹۱۳ رسید. اگرچه ارقام ترانزیت هم جزو این رقم هست، ولی واضح است که این کالا از روسیه میگذشت که میتواند هر موقوع بخواهد مانع عبور آن بشود. تا کمی پیش از جنگ بین الملل اول انگلستان و هند کمتر از ده درصد صادرات ایران را و در مقابل روسیه ۶۰ تا ۷۰ درصد آنرا دریافت میکرد، حتی اگر کالاهائی که از روسیه به اروپا فرستاده میشد کم کنیم بازهم ارقام جالب است، زیرا ۴۰ تا ۵۰ درصد باقی میماند.

صادرات ایران عبارت بود از مواد غذائی - الیاف - پنبه و بعد از آن خشکبار و بادام و گردو فرش در مقام سوم و بعد پرنج - تریاک - پیله ابریشم - ماهی و محصولات آن - پوست و چرم - گوسفند و گاو زنده - کتیرا و صمغ - تقریباً تمام مواد صادراتی از ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۴ رو به ازدیاد بود. صنایع دستی از قبیل فرش و برخی پارچهها و چرم که بیشتر تیماج بود، رویهمرفته بیشتر صادرات مواد خام بود.

مواد خوراکی و الیاف بیشتر ارقام واردات را تشکیل میداد. در ردیف اول پارچه پنبه ای بود. ورود نخ پنبه ای با ازدیاد صادرات فرش مربوط بود، زیرا در بافت

فرش بکار میرفت. سایر واردات احتیاجات درجه دوم و کالا-های نیمه لوکس بود، مثل چای - نفت - لوزم خرازی - پارچه های ظریف - کبریت - لوازم آشپزخانه و امثال آن. کالاهائی که ورودش بیش از ارزش واقعی مهم بود کرم ابریشم از ترکیه، ایتالیا و فرانسه و ماوراء قفقاز بود. هر پولی که بابت آن پرداخت میشد شش برابر از فروش پيله ابریشم تحصیل میکرد.

از ۱۸۷۶ صادرات روسیه به ایران بسرعت و با تداوم زیاد شد. فقط با استثنای سالهای ۱۸۸۳-۱۸۸۵ رقابت تجارتي با انگلستان زیاد و پایبای رقابت سیاسی میرفت و این وضع ادامه داشت تا اول قرن که انگلستان قسمتی از سهم خود را در ایران از دست داد.

در اوائل قرن توسعه تجارت روسیه در ایران با کم شدن از سهم سایر کشورهای اروپائی بخصوص فرانسه و آلمان بود. بعد از تعرفه ۱۹۰۳ سهم روسیه از واردات ایران که ۴۵ تا ۵۰ درصد بود به ۶۰ درصد قبل از جنگ بین الملل رسید. واردات از روسیه بین ۱۸۹۰-۱۹۰۰ دو برابر شد. از ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۳ هم طبق آمار روسیه دو برابر شد و آمار ایران آنرا سه برابر نشان میدهد. در سالهای انقلاب ۱۹۰۷-۱۹۰۸ و ۱۹۰۸-۱۹۰۹ از رقم وارداتی روسیه ۷/۵ ملیون روبل کاسته شد، ولی بلافاصله افزایش یافت.^{۵۶}

توسعه سهم روسیه در واردات ایران بیشتر مربوط به افزایش شکر و پنبه بود که تا ۱۹۱۳ مقدار ۶۵ درصد

کل صادرات روسیه به ایران را تشکیل میداد. تسهیل وسائل حمل و نقل و سایر تغییرات داخلی ایران تأثیر در زیاد شدن تجارت شکر و پنبه نداشت. علت اصلی ارزانی آن بود. دولت روسیه به صادرات آن دو کالا کمک مالی میکرد تا بتوانند از قیمت رقبا ارزانتر بفروشند.

در می ۱۸۸۶ روسیه برای صدور شکر ۸۰ کویک در هر پوند جایزه گذاشت. واردات شکر که در ۱۸۸۴ مقدارش ۱۵ درصد صادرات روسیه به ایران بود، در ۱۸۹۰ در نتیجه جایزه به ۶۶ درصد صادرات رسید. در اول می ۱۸۹۱ جایزه که برای هر پوند به ۱/۸ روبل افزایش یافته بود بکلی حذف شد. فروش شکر روسی ۴۰ درصد تقلیل یافت. ناچار شدند جایزه را دوباره برقرار کنند. بعد از ۱۹۰۰ شکر ۳۲ تا ۴۴ درصد کل صادرات روسیه به ایران بود. تغییر کلی بازرگانی ایران و روسیه بین ۱۸۸۵ و ۱۸۹۰ نتیجه از دیاد صادرات شکر بود. ۹۰ تا ۹۷ درصد بصورت حبه و کله قند به ایران صادر میشد.^{۵۷} شکر روسی در ایران ارزانتر از روسیه بود. خرده فروشی آن تقریباً همان مبلغ قیمت عمده فروشی در کیف وادسا بود. نتیجه اینکه شکر از ایران به روسیه برمیگشت. گاه عودت از طریق گمرک برای محاسبه تخفیف (که از این ترتیب در ۱۹۰۴ متوقف شد) یا برای فروش در بازار.^{۵۸} فروشندگان شکر روسیه برای استفاده از تخفیف و عوارض بمعاملات خود ادامه میدادند و الا علاقهای به از دیاد صادرات به ایران که رقم کوچکی بودند نداشتند و بدینجهت سندیکای شکر

وارد بازار ایران نمیشد، بلکه آنرا به عده‌ای بازرگان مقیم باکو میفروخت که آنها با ایرانیان معامله میکردند و باین ترتیب شکر قبل از رسیدن به خرده فروش از دست دو واسطه میگذشت.

معاملات این امکان را میداد که بازرگانان ایرانی با هم گروهی تشکیل داده و شکر را یکجا میخریدند و کنترل بازار محلی را در دست داشتند. قیمت‌ها را بالا نگاه میداشتند و بتدریج متواتر کنسول روس که بکارخانه‌ها توصیه میکرد، کله‌قندها و ریزی شکر را مطابق سلیقه ایرانیان بکنند اعتنائی نمیشد، زیرا صادر کنندگان میدانستند چه میکنند و تفاوت جزئی که از بهبود بسته‌بندی حاصل میشد جبران هزینه این تغییر بسته‌بندی یا تغییر فرم را نمیکرد. بعلاوه ممکن بود صادرات کاسته شود، زیرا شگری که مطابق ذوق ایرانیان تهیه و بسته‌بندی میشد نمیتوانست ببازار روسیه برگردد زیرا مشخص مینمود.^{۵۹}

در ۱۹۰۲ که کنوانسیون شکر در بروکسل امضا شد از فروش روسیه در بریتانیا و ایتالیا کاست و براهمیت بازار ایران افزود. سهم شکر روسیه در بازار ایران چند درصد بالا رفت، ولی رفته رفته کم شد، تا ۱۹۰۷ که بغلت انقلاب و تحریم‌هایی که در جریان آن میشد فروش شکر روسیه در ایران کاسته شد. وقتی روسیه قرارداد کنوانسیون را امضا کرد دوباره ۶۵ درصد صادرات را بدست آورد و از اهمیت موقتی بازار شکر در ایران

کاسته شد.^{۶۰} امضای کنوانسیون شامل صادرات روسیه در ایران و فنلاند نمیشد. وزارت دارائی روسیه و سندیکای شکر سیستم خاصی برای صادرات شکر به این کشورها تنظیم کردند. دولت هر سه ماه براساس احتیاج بازار مقدار صادرات را معین میکرد و سهمیه تعیین میشد که اعضای سندیکا طبق آن تهیه محصول خود را تنظیم میکردند (هیچیک از اعضای سندیکا بیش از ۱/۳۸ درصد کل سهمیه را نداشت) پرداخت کمک مالی براساس تغییر قیمت‌ها و تثبیت کننده آن بود.^{۶۱} بعد از ۱۹۰۰ روسیه بین ۷۷ تا ۸۲ درصد بازار شکر ایران را در دست داشت.

پارچه بافته شده از پنبه و چیت یکی دیگر از واردات اصلی ایران بود و روسیه برای تحصیل سهم بیشتری در آن نیز سخت میکوشید. درحالی که در ۱۸۶۳ مقدار صادرات روسیه ۱۲ تا ۲۵ هزار روبل بود، در ۱۸۷۰ به ۲۲۵ هزار و در ۱۸۸۰ به ۱/۲ میلیون روبل رسید. در ۱۸۹۱ نزدیک دو میلیون بود. دولت روسیه جایزه برای صادرات نخ گذاشت. در ۱۸۹۳ فروش به ایران به ۳/۹ میلیون روبل رسید و در ۱۹۰۰ مقدارش ۵/۳ میلیون شد. کمک مالی دولت بصادرات ۱/۵ روبل برای هر پود چلوار و ۱/۷ برای چیت و ۲ روبل برای چیت گلدان بود. (بازپرداخت جایزه گمرکی و عوارض) در ۱۹۰۰ کمکهای مالی بترتیب ۳/۴۵ روبل و ۳/۶۷۵ روبل و ۴/۲ روبل هر پود افزایش یافت. مبلغ پرداختی خزانه‌داری روسیه بابت کمک مالی در ۱۹۰۰ مبلغ ۵۳۵۸۲۹ روبل بود که

کمی بیش از ده درصد قیمت کل پارچه صادر شده بود. مقدار صادره به ایران در ۱۹۰۰ برابر ۴۵ درصد صادرات پارچه روسیه و در ۱۹۱۳ برابر ۵۳ درصد بود.^{۶۲}

ظاهراً این افزایش با توجه به کمک مالی که مرتب اضافه میشد بنظر زیاد نمی آید، ولی آمار گمرک روسیه وزن کالای فروخته شده را ۴ برابر و قیمت را ۴/۴ برابر آمار ایران نشان میدهد. در ۱۸۹۰ فروش روسیه بر فروش بریتانیا افزایش یافت، ولی در اول قرن رقابت انگلیس-هند با روسیه شدت گرفت و سهم روسیه در ۱۹۰۹ تقریباً نصف سهم سابق در بازار ایران بود و ۳۰ درصد برایش باقیمانده بود. در ۱۹۰۹ کمک مالی دولت یک روبل در هر پود زیاد شد. در ۱۹۱۳ روسیه ۵۱ درصد بازار را داشت.^{۶۳}

انگلستان نصف بازار را داشت، زیرا در قیمت چلوار و «موسلین» براحتی می توانستند رقابت کنند. تعرفه ۱۹۰۳ بضرر چلوار و بنفع چیت گلدار و بنفع روسیه بود. در حالی که متخصصین روسی و انگلیسی هر دو مدعی بودند که سفارشها کم کم میرسد و مقدار قابل توجهی نیست که بتوان آنرا طبق سلیقه ایرانیان تهیه کرد. ظاهراً سلیقه ایرانیان تغییر یافته و چیت و چیت گلدار را بیشتر می پسندیدند. معلوم نیست کدام در دیگری مؤثر بوده. سلیقه ایرانیان یا جوایز صادراتی دولت روسیه، که صادر کنندگان را برای گرفتن سهم بیشتری از بازار تشویق میکرد؟

کمک مالی دولت روسیه (بازپرداخت گمرک و

عوارض) چای - نفت و پارچه پشمی و سایر کالاهای روسی را در ایران ارزاتر از روسیه کرده بود. مثلاً قیمت چای در ایران کمتر از نصف قیمت آن در روسیه بود.^{۶۴} مقدار کل کمک مالی را مشکل میتوان تعیین کرد، زیرا مقامات دولتی از ابراز آن خودداری داشتند، ولی در ۱۸۹۹ حداقل ۲۵ درصد ارزش کل صادرات بود و ارقام بعدی را مشکل میتوان بدست آورد. شاید بدانجهت که کمک مالی افزایش کلی داشت.

جدول (۱۲ و ۱۳) انواع کالائی که از روسیه به ایران صادر میشد و مقدار هر یک از آنها در سالهای مربوطه را نشان میدهد.

روسیه بین ۴۵ تا ۵۰ درصد کل واردات ایران را بین سالهای ۱۹۰۲-۱۹۰۳ و ۱۹۱۱-۱۹۱۲ و مقدار ۸۵ درصد در سال ۱۹۱۲-۱۹۱۳ را تأمین میکرد. بازهم خواستار مقدار بیشتری بود و بازرگانان و مأمورین دولتی از اینکه دولت برای کمک مالی برای ازدیاد صادرات به ایران از سهم سایر کشورها میکاستند ناراضی بودند.

در ۱۹۰۴ هر دو دولت روسیه و ایران به کنوانسیون بین المللی (معافیت گمرکی بسته های پستی پنج کیلو گرمی که بصورت ترانزیت برسد) پیوستند. نتیجه اینکه کالاهای گرانقیمت سبک وزن به این ترتیب از راه قفقاز بدون پرداخت حقوق گمرکی میگذشت و فرستنده اروپائی استفاده هنگفت میکرد. بسته هایی که از اروپا بدین طریق

میرسید بحدی افزایش یافت که مستلزم اقدام فوری میبود، زیرا ارزش آنها که در ۱۹۰۴ برابر ۱۶/۷ هزار روبل بود به ۴/۵ میلیون روبل در ۱۹۱۳ رسید، که در واقع ۴/۵ درصد کل واردات ایران بود. کالاهای پنبه‌ای، ابریشمی، مخلوط ابریشمی، کتان و پشمی در این بسته‌ها بودند و سایر کالاهای از قبیل لوازم خرازی، لباسهای دوخته، کالای فلزی، مواد شیمیائی و دارو و کفش، بافته‌ها و دگمه بود و در حدود ۵۰ درصد بسته‌ها از آلمان میرسید.

مقامات روسی بخصوص از نفوذ آلمان زیادتر نگران بودند. در ۱۹۱۱ نماینده وزارت دارائی به تبریز مسافرت کرد که فروش کالای آلمانی در آذربایجان را از نزدیک بررسی کند و بسته‌های پستی تجارتي را ببیند.^{۶۸} کنسول روسیه در تبریز در گزارش خود از زیاد شدن تجارت آلمان اظهار نگرانی کرد و پرنس دو بیژا Do Bizha سر کنسول روسیه در مشهد با عصبانیت پیشنهاد کرد برای بسته‌های حاوی کالای بازرگانی گمرک خاصی برقرار شود.^{۶۹} افکار عمومی روسیه طوری بهیجان آمد که مطلب به مجلس دو ما کشیده شد. در آنجا بود که معلوم شد روسیه از ترس عکس العمل آلمان جرأت اعتراض ندارد.^{۷۰}

مطالعه لیست صادرات بازرگانی ایران وابستگی به روسیه را بیشتر روشن میکند. بازرگانان کشاورزان و مقامات دولتی ایران همواره مراقب روش دولت روسیه، موفقیت بازار مکاره تری گورود، علاقه روسیه به پنبه،

چرم، برنج، میوه و خاویار ایران و همچنین سیاست روسیه درباره کالاهای ترانزیتی صادراتی ایران به اروپا میبودند، زیرا اینها عوامل اساسی موفقیت اقتصاد ایران بودند. در مقابل روسیه خواستار مواد خام ایران بعنوان مکمل مواد خام خودش بود و این همبستگی دوجانبه توازن بازرگانی ایران با روسیه لااقل تا ۱۹۰۰ را بسود ایران کرده بود و احتمالاً در سالهای ۱۸۹۰ بمناسبت قاچاق بیشتر بضرر روسیه بود. در سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۴ فعالیت قاچاق کنندگان طوری بود که توازن را حفظ میکرد.

همانطور که بیان شد روسیه بهترین بازار ایران بود و لااقل نصف صادرات ایران را در سالهای بعد از ۱۸۹۰ هفتاد درصد آنرا و در سالهای ۱۹۰۳-۱۹۰۴ تا ۱۹۱۳-۱۹۱۴ میخرید.^{۷۱} بعد از سال ۱۸۹۰ تقریباً همه پنبه صادرات ایران به روسیه میرفت و حجم آن بین سالهای ۱۸۸۸ تا ۱۹۱۰ سه برابر شد که ۹۴ تا ۹۷ درصد مجموع پنبه صادراتی ایران بود.^{۷۲}

از دیدار محصول پنبه ایران بطرق مختلف از طرف روسیه تشویق شد. صدور بصورت خام - قرض دادن بانک روس به پنبه کاران - فعالیت عوامل روسی بین پنبه کاران خود نمونه‌ای از طریقه نفوذ سیاسی روسیه بود. بعد از ۱۹۰۷ با ازدیاد اختلاف بازرگانی روسیه و آمریکا و کم شدن صادرات پنبه آمریکا توأم با افزایش قیمت بین المللی آن سبب شد که روسیه بعنوان یک منبع دومی به ایران نگاه کند. پنبه کاران ایرانی از اصول فنی کشت بی اطلاع

بودند و تخم پنبه الیاف بلند با تخم الیاف کوتاه مخلوط میکاشتند، محصولی بدست می‌آمد که در اغلب ماشینها غیر قابل استفاده بود. کنسولهای روس و بازرگانان زحمت بسیار کشیدند تا جنس پنبه بهبود یافت. اول در خراسان فعالیت آنها در ۱۸۹۰ شروع شد و تا ۱۹۱۳ تمام منطقه شمال ایران حتی تا اصفهان را شامل میشد. مأمورین کنسولی در کردستان حتی سعی کردند پنبه کاری را به کردهای نزدیک اورمیه و ساوجبلاغ (شاهین دژ. م) بیاموزند. در ۱۹۱۲ جنس پنبه خوب شده بود و با وجود ضعف فنی و هزینه زیاد حمل و نقل پنبه ایران قسمت مهمی از پنبه وارداتی روسیه (در حدود ۱۵ درصد) را تشکیل میداد.^{۷۳}

بعد از پنبه، میوه و خشکبار و بادام بود و روسیه بین ۸۰ تا ۹۰ درصد صادرات ایران را دریافت میکرد. صادرات به روسیه از حدود یک میلیون روبل در ۱۸۷۰ به ۵/۹ میلیون روبل در ۱۹۰۰ و ۱۰/۵ میلیون روبل در ۱۹۱۳ رسید.^{۷۴} مهمتر از همه سبزه، سپس کشمش، بادام، پسته، زردآلو و خمیر میوه بود. عامل مهم ازدیاد این صادرات تجدیدنظری بود که در تعرفه گمرکی شد، که در نتیجه حقوق گمرکی میوه و خشکبار صادراتی کاسته شد. در روسیه هم میوه و خشکبار ایران را ترجیح میدادند. گمرک بادام ایران برای هر پود ۴۰ کوپک بود، در حالی که گمرک بادام ایتالیا ۳ تا ۴ روبل بود. تعرفه میوه و توت خشک که از سرحد اروپائی وارد میشد در

سالهای ۱۸۷۱-۱۸۷۵ برابر ۱۹/۱ درصد قیمت بود و در سال ۱۸۹۷ به ۷۸/۸ درصد قیمت رسید. ایران قسمت عمده (۸۵ درصد) کشمش وارداتی (که در لهستان تبدیل به الکل میشد) و خشکبار، بادام، گردو و پسته روسیه را تأمین میکرد.^{۷۵}

روسیه در تجارت فرش ایران هم سهمی داشت، در حالی که بیشتر فرشها از طرف مؤسسات آلمانی سفارش داده میشد که از طریق روسیه به اروپای غربی و کشورهای متحده آمریکا فرستاده میشد. بعد از ۱۹۰۵ روسیه بیشتر محصول خراسان را میخرید. نزدیکی راه آهن ماوراء خزر حمل آنرا ارسال میکرد. مشهد مرکز بافت و همچنین مرکز جمع آوری فرشهای آن ایالت بود و بانک روس برای آن پول قرض میداد.^{۷۶}

روسیه بیشتر برنج ایران را میخرید. با تجارتی شدن محصولات کشاورزی در ترکستان مناطق پنبه کاری برای گندم و جو مورد احتیاج خود به واردات روی آوردند. هر قدر پنبه کاری توسعه مییافت احتیاج به ورود غله و برنج بیشتر میشد، زیرا خوراک اصلی ترکستان برنج بود که کاشت آن ده برابر بیش از پنبه آب لازم داشت. از این جهت بنفع روسیه بود که ایران را مرکز خوراک ترکستان بکند. بعد از ساخته شدن راه آهن ماوراء خزر مقدار خرید برنج بالا رفت.

در ۱۸۹۱ روسیه نزدیک به ۲/۵ میلیون و در ۱۹۱۳ برابر ۴/۸ میلیون پود سالیانه برنج دریافت میکرد که

۹۷ تا ۹۹ درصد صادرات برنج و از نظر قیمت ۱۴ درصد تجارت ایران با روسیه بود. در مناطق مرطوب که بانک روس کمک مالی برای برنجکاری نمیداد، یا در مناطقی که کشاورزی پیشرفت کرده بود جای برنج را درخت توت گرفت.^{۷۷}

تجدید حیات صنعت ابریشم ایران بعد از آنکه سالها را کد بود قابل توجه است. مأمورین روسی دیر متوجه شدند که ابریشم از محصولاتی است که در شمال ایران خوب بعمل می‌آید و آنها میتوانند از آن راه که هم از لحاظ اقتصادی هم از لحاظ سیاسی سودمند است نفوذ خود را توسعه دهند. ابریشم ایران با دخالت و دقت یک مؤسسه یونانی *Pascalidi* زنده شد. نماینده آن مؤسسه *Besanos* در ۱۸۸۹ با دانه‌های پاستوریزه شده تخم کرم ابریشم (نوغان) ترکیه، ایتالیا و فرانسه وارد شد. وقتی صنعت ابریشم جان گرفت خارجیان دیگر اول از فرانسه بعد از ایتالیا آمدند. در ۱۹۰۰ مجموع صادرات نزدیک ۱/۵ میلیون روبل بود، حتی در آن موقع روسیه توجه زیادی بدان نداشت، زیرا صنایع ابریشم روسیه احتیاجات نسبتاً محدود خود را از ترکستان تأمین میکرد.

بانک روس با کم علاقه‌گی در این صنعت گیلان وارد شد. ایتالیایی‌ها و فرانسویها استفاده هنگفت کردند. آنها با دادن قرض ۶۰ تا ۷۰ درصد قیمت و پیش خرید (سلف) استفاده سرشاری بردند. پيله‌ها را خود حمل میکردند و در ژن و مارسی بدلایان میسپردند. بعلاوه تخم

نوغان را وارد کرده به‌خرده فروشهای ارمنی و ترك که با ابریشمکاران معامله داشتند میدادند. در ایران بقران و در مارسی به فرانك معامله میکردند و در تبدیل این پولها هم استفاده زیاد میبردند. سود سریع و زیاد این عمال فرانسوی، ایتالیایی و یونانی را سرمایه‌دار کرد و در معاملات سایر کالاها بخصوص از اروپای غربی وارد شدند. شاید این فعالیت اخیر بود که بانک روسی را وادار بدخالت در کار پيله و ابریشم کرد. اول درصد معامله پيله بود، ولی خریدار روسی پیدا نشد. در ۱۹۰۳ یا ۱۹۰۴ طرز کار را عوض کرد. اقدام سرمایه‌گذاری (که بیشتر نفع از آن راه غاید میشد) کرد و همچنین بعنوان عامل و با گرفتن کمیسیون وارد شد که سود بی‌خطر زیاد داشت، سپس تخم نوغان وارد کرد.

در نتیجه دخالت بانک بهره پائین آمد و قیمت‌ها ثابت شد. خریدار بیشتر و وضع اقتصاد مالی بهبودی یافت. از نظر سیاسی روسیه جایش بین ابریشمکاران و پيله‌داران با دلالتها و خریداران ایتالیایی و فرانسوی بود. در عین حال که میخرد و استفاده میکرد، حسن نیت نشان میداد و جای ترك و ایتالیایی و فرانسوی را افراد ایرانی و ارمنی گرفت که وابسته بانك بودند. در ۱۹۰۹ بانک روس قریب يك سوم محصول پيله گیلان را خرید، در حالی که بیش از ۱۶ درصد آن برای روسیه نبود، ولی بقیه مثل سایر محصولات صادراتی ایران از راه روسیه فرستاده میشد. البته زحمت زیادی برای وارد شدن در این بخش اقتصادی

و تحصیل اعتماد ابریشمکاران بکار رفت، ولی ارزش داشت زیرا هم نفوذ روسیه را توسعه داد و هم منفعت بردند و قسمت دیگری از اقتصاد ایران در اختیار کارگردانان روسی درآمد.^{۷۸}

فعالیت روسها درباره امتیاز ماهی گیری «لیانوزوف» قابل توجه بود. لیانوزوف ارمنی خوشبختی بود که در سال ۱۸۶۷ امتیاز ماهیگیری را گرفت،^{۷۹} و تا ۱۸۷۳ مؤسسه بزرگی با سرمایه گذاری هنگفت و شعب ماهیگیری متعدد و محل کارخانه ایجاد کرده بود. چون بکارگر ایرانی اعتماد نداشت همه احتیاجات خود را از روسیه آورد و امتیاز شامل دریای خزر و رودهایی که به آن دریا میریخت بود.

مقدار ماهیگیری که در اوائل ۱۸۹۵ در حدود ۶۰۰ هزار روبل بود، از سالهای ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۶ به ۹۰۰ هزار و یک میلیون روبل رسید و در ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۳ درآمد از ماهی به ۲/۲۵ میلیون روبل بالغ میشد و این رشد درحالی بود که انقلابیون ایرانی از ترور و مخالفت برعلیه ماهیگیری، زیاد گرفتن ماهی و آلودن آب رودخانهها، در نتیجه توسعه مرداب انزلی کوتاهی نداشتند. بیشتر محصول به هشترخان و باکو حمل میشد، ولی بیشتر خاویار از آنجا بخارج صادر میشد.^{۸۱}

جدول ۱۵ وابستگی نشان میدهد که در ۱۹۱۰ صادرات ایران چقدر احتیاج به روسیه داشته است. ایران بصورت یکی از عمال اقتصادی روسیه درآمد و از منابع

آن محسوب میشد. اگر بخواهم فقط از نظر بازرگانی آنرا برآورد کنم موفقیت روسیه فقط در منطقه‌ای بود که منطقی بنظر می‌آمد، یعنی ایالت شمالی و برعکس در منطقه‌ای که فعالیت زیاد کرده بود یعنی آذربایجان سلطه زیادی نداشت. در ۱۹۰۹-۱۹۱۰ فقط ۵۹ درصد بازرگانی خارجی آن ایالت را داشت. بعلت راه ترابوزان و مقررات بسته‌های پستی که بیشتر به تبریز میرسید نمیتوانست موفقیت بیشتری بدست آورد. بازرگانان روسی فاقد روح ماجراجویی بودند و هر قدر دولت روسیه تشویق میکرد تأثیری نداشت. بنظر می‌آمد که مساعی اداری بعد از ۱۸۹۰ در بالا رفتن بازرگانی که از سال ۱۸۷۰ بصورت طبیعی رشد میکرد تأثیر داشته است. فقط در سال ۱۸۸۶ که در نتیجه کمک دولتی وضع خاصی داشته است.

در اولین دهه نفوذ ۱۸۹۰-۱۹۰۰ نسبت به دهه ماقبل ازدیادی ۷ درصد کمتر از سابق نشان میدهد و در ۱۹۰۰-۱۹۱۰ باز هم ازدیاد کمتری دارد. در ۱۸۹۰-۱۹۰۰ با وجود جائزه صادراتی رشد آن کم است و بنابر آمار ایران بین ۱۹۰۳-۱۹۰۴ و ۱۹۱۳-۱۹۱۴ سهم روسیه از تجارت خارجی ایران فقط ۷/۵ درصد رشد داشته است. اگر توجه به سرمایه گذارها و مخابراتی که شده بکنیم، رشد صادرات نمایانگر یک عدم موفقیت است و چشمها را فقط متوجه دو محصول شکر و پنبه میکند. روسیه در تحصیل صادرات ایران موفقیت بیشتری داشته،

ولی باید قبول کرد که این محصولات در هر حال به روسیه
میرفت.

از علل اصلی عدم موفقیت سی سال سعی مداوم
روسیه یکی عدم اجرای پیمان ترکمانچای بوده، دیگری
عدم هماهنگی بین سیاستهای مختلف، و نباید فراموش
کرد که بازرگان روسی در این عدم موفقیت سهم بسیاری
داشته‌اند. این بازرگانان زیادی محتاط، بی‌نهایت لجوج
و کاملاً بی‌اطلاع بودند. هیچ فعالیتی درمقابل اعمال
جانکاه رقبای اروپائی نمی‌کردند و همه از دولت روسیه
توقع داشتند که برای آنها بجنگد و اعتنائی به راهنمائی‌ها
و دستورات دولت نمی‌کردند. در واقع بازرگانی ایران و
روسیه جز در رشته شکر و بنبه و محصولات نفتی هیچ
تغییری نکرد و برای سایر محصولات گاهی هم در مورد
پنبه تا ۱۹۱۳ تاجر ایرانی یا نمایندگان آنها به بازار
مکاره نوژنی گورود سفر می‌کردند. نتیجه اینکه گردش
محصولات کند بود و بازرگانی وابسته به روبل که بازرگانان
ایرانی با دقت بدان توجه داشتند از دست بازرگان روسی
خارج مینماید.

وابستگی ایران بی‌بازار روسیه حس خودخواهی و
نخوت روسیه را ارضاء می‌کرد، ولی برای آنها که از این
دید نمینگریستند این وابستگی نتیجه اعمال تصنعی و غیر
واقعی بود. ایران از نظر اقتصادی برای روسیه آنقدر مهم
نبود که نتواند از آن بازار صرف‌نظر کند. بعد از جنگ
روس و ژاپن عده‌ای از مقامات روسی فهمیدند که تکیه

بر سلاح بازرگانی و کمک مالی برای موفقیت سیاسی قابل
اعتماد نیست. تا وقتی که بانک و سایر منابع مالی نتوانند
بدون کمک و پشتیبانی مالی دولت‌ها برجا بمانند، سیاست
اقتصادی باید دنباله‌رو منظور سیاسی باشد.

از جنگ روس و ژاپن تا ۱۹۱۴ روسیه در ایران
بیشتر دنبال هدف سیاسی خود و کمتر دنبال منظور
اقتصادی بود و حتی گاهی اقداماتش برای حفظ حداقل
موقعیت سیاسی بضرر موقعیت اقتصادی بود. لااقل در
یک مورد (در اکتبر ۱۹۱۰) روسیه حاضر شد برای کسب
حفظ موفقیت سیاسی تمام موفقیت اقتصادی را فدا کند.^{۸۲}
البته این یک مورد کافی نیست که ما نتیجه بگیریم سیاست
بازرگانی در ایران بمنظور دست یافتن به هدف سیاسی بوده،
ولی این مورد و ساخت عمومی تجارت روس و ایران
آنقدر نزدیک به توضیحی است که Hirschman^{۸۳} درباره
برنامه‌های بازرگانی که بمنظور رسیدن به هدف‌های
سیاسی تعقیب میشود میدهد، که میتوان نتیجه گرفت
توسعه نفوذ سیاسی از راه بازرگانی مهمترین محرک اقدام
روسیه تزاری در ماندن در بازار ایران بود.

توضیحات بخش ۱

- ۱- به کتاب شماره یک فهرست منابع مراجعه فرمائید.
- ۲- موضوع ترانزیت در فصل بعد بحث خواهد شد.
- ۳- برای این سناریو که از کتابهای منتشره در قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم استفاده شده، به کتابهای شماره ۳ به بعد تا ۵۷ فهرست منابع مراجعه فرمائید.
- ۴- حسین نوائی (کتاب فهرست ۵۸) صفحه ۵۴.
- ۵- شیوع وبا در ایران و در روسیه بسالهای ۱۸۳۲-۱۸۳۵ و همچنین قحطی سال ۱۸۳۳ ایران عدم امنیت و چپاول در شمال ایران ۱۸۳۱، ورشکستگی عده‌ای از بازرگانان تبریز در سالهای اول دهه ۱۸۳۵، تنزل فوق‌العاده قیمت کالای روسی در تبریز، کالائی که در ۱۸۳۶ یک میلیون و ششصد و هشتاد روبل بود، در ۱۸۳۹ یکصد و شصت هزار روبل شده بود. بعد از ۱۸۳۸ کمپانی معتبر یونانی بنام Ralli شروع بفعالیت کرد و مؤسسات خارجی دیگر هم بدنبال آن آمدند. در ۱۸۴۱ انگلیسیها هم همان مزایائی را که روسها طبق پیمان داشتند بدست آوردند. مؤسسات روسی تعطیل شد. همه از

عوامل مؤثر در ایجاد این وضع بود (کتاب شماره ۸ و ۹ فهرست).

۶- صادرات پارچه نخی روسی لطمه بسیار خورد. در سال ۱۸۳۵ و ۱۸۳۱ قیمت پارچه به نصف تنزل کرد. در ۱۸۳۳ مجموع پنبه برابر ۱/۱ میلیون روبل حواله بود. در ۱۸۳۹ به سیصد و چهل هزار روبل تنزل کرد. کتابهای شماره ۹ در صفحه ۸۸ و ۹۳ مینویسد: «فروش پارچه پنبه‌ای در آذربایجان منحصرأ با روسیه بود تا ۱۸۳۵ در آن موقع کالای لایبزیك و انگلیسی وارد بازار شد». برای اطلاع بیشتر به کتاب شماره ۵۹ فهرست مراجعه شود.

۷- آمار OVTR سال ۱۸۴۵ صفحه ۴۸.

۸- متن پیمان ترکمانچای در اغلب مجموعه‌های معاهدات چاپ شده است.

۹- ایران و مسئله ایران کرزن، ترجمه فارسی کامل (آن یوسیله آقای غلامعلی وحیدمازندرانی منتشر شده است).

۱۰- کتاب شماره ۶۱ فهرست صفحه ۸۷-۹۱.

۱۱- کتاب شماره ۶۲-۶۳-۶۴ فهرست.

۱۲- پیمان ترکمانچای ماده ۷.

۱۳- کتاب شماره ۶۶ فهرست.

۱۴- پیمان ترکمانچای.

۱۵- پیمان ترکمانچای.

۱۶- این بحث براساس نوشته Miller کتاب شماره

۶۶ فهرست و کتابهای ۶۱ و شماره ۱۲ فهرست است.

توضیحات بخش ۲

۱- سرهنری راولینسون در کتاب انگلیس و روس در شرق چاپ لندن ۱۸۷۵ مینویسد: «امتیازی که در پی یکعده امتیازهای مختلف که به اروپائیها داده شده بود به رویت داده شد در حد اعلاهی اهمیت بود. طبق آن حق انحصاری ساختن راه آهن بین انزلی و خلیج فارس و همچنین حق ساختن انشعاب آن راه آهن به کلیه نقاط مرزی ایران و حق ساختن تراموای و استخراج تمام معادل زغال سنگ، آهن، سرب و نفت، ساختن و اداره و نگاهداری سدهای کوچک و بزرگ و چاه و انبار آب و کانال حق نگاهداری و تقسیم و فروش کلیه آبهای ایران حق ایجاد بانک، استخراج گاز، سنگفرش کوچه و جاده‌ها ساختن راه، ایجاد پست و تلگراف و کارخانجات همچنین حق جمع‌آوری حقوق گمرکی تا مدت بیست و پنجسال را شامل میشد».

۲- کتابهای شماره ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ فهرست.

۳- کتاب شماره ۲۶ فهرست.

۴- از کتاب شماره ۲۵ فهرست.

- ۵- از کتاب کرزن و کتابهای شماره ۴۳ و ۶۱ و ۲۵.
- ۶- کتاب شماره ۲۶ و ۲۷ و ۳۷ و ۹۷ فهرست.
- ۷- کتاب ۲۵ و ۶۰ و ۶۱ و ۲۷.
- ۸- کتاب ۲۵.
- ۹- برای اطلاع از لشکرکشی بشرق به کتاب شماره ۲۸ و ۲۹ مراجعه شود.
- ۱۰- به کتاب شماره ۳۰ و ۳۱ مراجعه شود.
- ۱۱- کتاب شماره ۳۲.
- ۱۲- کتابهای مربوط به جریان گرفتن مرو، واقعه پنجده و کمیسیون سرحد افغانستان جالب است. مراجعه شود به کتابهای شماره ۳۳ و ۳۴ و برای اطلاع از آخرین تحقیقات به کتاب شماره ۳۵ مراجعه شود.
- ۱۳- کتاب شماره ۳۶ و ۳۷ فهرست.
- ۱۴- به کتابهای ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۶۰ مراجعه شود.
- ۱۵- شماره ۲۴ و ۶۰ و ۴۲ و ۶۷ فهرست منابع.
- ۱۶- شماره ۶۸ جلد ۱۸.
- ۱۷- شماره ۶۸ جلد نهم و پنجاه و پنج - حتی با جایزه شکر روسیه نتوانست تا ۱۸۹۰ مانع ورود شکر از ماری بشود.
- ۱۸- کتاب شماره ۶۰ و ۶۸ جلد ۱۲ و شماره ۵.
- ۱۹- شماره ۶۰ صفحه ۱۰۶.
- ۲۰- در کتاب شماره ۶۹ فیروز کاظم زاده مینویسد این دونفر باهم دوست بودند ولی از شرح کتاب Lamsdorf

- چیزی خلاف این استنباط میشود.
- ۲۱- کتاب شماره ۳۵ صفحه ۱۲۲ و ۱۲۳.
- ۲۲- کتاب شماره ۷۰ و مجله تاریخ جدید و کتاب شماره ۳۵.
- ۲۳- کتاب شماره ۷۱ و ۸۰ و ۷۳.
- ۲۴- کتاب شماره ۳۵.
- ۲۵- کتاب شماره ۶۰.
- ۲۶- کتاب شماره ۳۱ و ۷۳.
- ۲۷- کتابهای شماره ۲۵.
- ۲۸- کتاب شماره ۳۵ صفحه ۱۴۹.
- ۲۹- برای اطلاع از جریان مذاکرات به کتاب شماره ۳۵ مراجعه شود.
- ۳۰- کتاب شماره ۳۵ صفحه ۱۶۱-۱۶۷.
- ۳۱- کتاب شماره ۷۴ و ۷۵ و ۶۰ و ۷۵.
- ۳۲- کتاب شماره ۲۵ صفحه ۱۳۸.
- ۳۳- کتاب شماره ۷۲ صفحه ۴۴۸.
- ۳۴- کتاب شماره ۷۲ صفحه ۴۴۳.
- ۳۵- کتاب شماره ۳۱.
- ۳۶- کتاب شماره ۳۵.
- ۳۷- کتاب شماره ۶۱ صفحه ۱۱۹ و کتاب ۲۵.
- ۳۸- کتاب شماره ۷۲.
- ۳۹- کتاب شماره ۳۵ صفحه ۱۷۱.
- ۴۰- کتاب شماره ۹۸ صفحه ۱۵۱ و کتاب شماره ۲۵.
- ۴۱- کتاب ۹۸ صفحه ۱۶۹ و کتاب شماره ۲۵.

- ۴۲- کتاب ۸ و ۹ و ۲۵.
- ۴۳- کتاب ۹۸ صفحات ۱۸۳-۱۸۷-۱۹۱-۱۹۴.
- ۴۴- کتاب ۲۵ و ۶۱ صفحه ۱۲۰.
- ۴۵- کتاب شماره ۶۰.
- ۴۶- کتاب شماره ۳۵.
- ۴۷- کتاب شماره ۲۵ مکرر و ۱۴ و شماره ۲۳.
- ۴۸- کتاب شماره ۹۸.
- ۴۹- براساس نوشته Popov کتاب شماره ۲۵.
- ۵۰- کتاب شماره ۳۵ صفحه ۱۸۰.
- ۵۱- کتاب ۷۶.

توضیحات بخش ۳

۱- سقوط قیمت نقره در ۱۸۹۰ لطمه بزرگی ببانك زد. رئیس بانك بیش از ۲۵۰ هزار پوند در هند سرمایه گذاری کرده بود که قابل تبدیل به روپیه نقره بود. ذخیره بانك به کمتر از ۶۰۰ هزار پوند تقلیل یافته بود که قیمت نقره تنزل کرد، ولی با مدیریت محلی طوری عمل کردند که در ۱۹۰۰ موقعیت مستحکمی کسب کرده بود. بانك با اجرای سیاست خاصی قیمت پول ایران را به بیش از ارزش نقره آن ترقی داد و شروع بخريد سکه نقره و قاچاق کردن آن به آسیای مرکزی شد. در آنجا قیمت پول ایران بالاتر بود و در نتیجه اینکه عده‌ای از سکه‌های ایران را در آسیای مرکزی نگاه میداشتند. بعلت کمبود قیمت پول ایران، بالا رفت و با این ترتیب بود که روسیه خود در تقویت مؤسسه‌ای که از حضورش در ایران بیزار بود کمک میکرد. بکتاب شماره ۶۲ فهرست و کتاب شماره ۸۴ یگانگی و شماره ۴۹ و شماره ۵۰ پرویز پیامی رجوع شود و شماره ۱۴ و شماره ۱۰۰ و شماره ۱۰۱ و ۱۰۲.

- ۲- به شماره ۶۲ صفحه ۱۵۵ و ۱۲۵ مراجعه شود.
- ۳- شماره ۲۳ صفحه ۷۶ و ۱ و ۸۵ مراجعه شود.
- ۴- مکاتبات وزارت خارجه آمریکا با ایران شماره ۷۷ فهرست.
- ۵- شماره ۷۸ فهرست.
- ۶- شماره ۷۹ فهرست.
- ۷- شماره ۸۵.
- ۸- شماره ۷۹.
- ۹- شماره ۸۱ و ۱۵۴ و ۲۳.
- ۱۰- تجارت انگلیس در ایران صفحه ۵۵ و ۵۱.
- ۱۱- شماره ۸۱ فهرست صفحه ۱۷.
- ۱۲- شماره ۲۵ فهرست و شماره ۱۴ و ۶۱.
- ۱۳- شماره ۶۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸.
- ۱۴- شماره ۶۱.
- ۱۵- در شماره ۱۴ مشروح جریان.
- ۱۶- در شماره ۴۳ این موضوع را ذکر کرده و مینویسد فعالیت بانک اثری در تجارت روس و ایران نداشته است.
- ۱۷- شماره ۶۱ و ۶۲ و ۵۳ فهرست.
- ۱۸- شماره ۸۵.
- ۱۹- شماره ۸۲ و ۸۳.
- ۲۰- شماره ۴۹ و ۱۱۵.
- ۲۱- شماره ۱۱۱ و ۸۲.
- ۲۲- شماره ۷۹.

- ۲۳- شماره ۷۹ و ۸۳.
- ۲۴- سایکس.
- ۲۵- ۷۹ و ۵۴ محمود افشار و ۶۱.
- ۲۶- شماره ۸۲ و ۸۳.
- ۲۷- ۸۲ و ۸۳ و ۷۷ و ۵۸ حسین نوائی.
- ۲۸- شماره ۱۱۳.
- ۲۹- شماره ۶۱ و ۱۱.
- ۳۰- شماره ۵۱.
- ۳۱- شماره ۶۵.
- ۳۲- شماره ۱۵۵ و ۲۵ و در ۱۱۲ مینورسکی مینویسد سود درآمد این راه در سال، ۱۹۵۵ فقط ۲۹ هزار روبل بوده که $\frac{1}{2}$ تا ۱ درصد میشود.
- ۳۳- شماره ۸۴ و ۶۱ و ۸۵ و ۲۵ و در ۵۳ جورابچی مینویسد که در هر سال در حدود ۵۰ هزار نفر از جلفا در توجیهت میگذشتند.
- ۳۴- شماره ۶۲ و ۱۱.
- ۳۵- شماره ۶۱.
- ۳۶- شماره ۱ و ۶ و ۲۳ و ۱۱ و Shavrov مینویسد کشتی‌ها حتی اگر بزرگ بودند و نمیتوانستند به کناره برسند باید حق استفاده از تسهیلات میپرداختند.
- ۳۷- شماره ۸۲.
- ۳۸- شماره ۶۳.
- ۳۹- شماره ۶۳.
- ۴۰- شماره ۶۳.

۴۱- منابع دولتی انگلستان و روسیه برای تعرفه و رقمها.

۴۲- مثل ۴۱.

۴۳- شماره ۸۶ و شماره ۶۱.

۴۴- شماره ۸۷.

۴۵- شماره ۸۸.

۴۶- شماره ۸۹.

۴۷- شماره ۹۰.

۴۸- شماره ۸۴.

۴۹- شماره ۵۶.

۵۰- ارقام رسمی دولتی.

۵۱- شماره ۸۴ و ۹۱ و ۱۱۲.

۵۲- شماره ۶۳.

۵۳- شماره ۹۱ و ۹۹.

۵۴- ارقام دولتی.

۵۵- شماره ۹۱ و ارقام دولتی سالهای ۱۸۸۰-

۱۹۱۳.

۵۶- جدول يك و پنج.

۵۷- شماره ۲۴ و ارقام دولتی.

۵۸- ارقام دولتی در شماره ۱۴ نویسنده باستهزا

مینویسد گاهی يك محموله شکر ده بار در آمار گمرک

روسیه منعکس می‌شده و قیمت شکر در ایران ۳۵ درصد

ارزانتتر از قیمت آن در روسیه بوده - شماره ۱۵۲ فهرست.

۵۹- کنسول روسیه در سالهای ۱۸۸۰ از بسته‌بندی

شکایت داشت و بیست سال بعد هم همان مطلب تکرار می‌شود و این نشانه عدم اطلاع آنها از اصول اولیه اقتصاد و تجارت است، زیرا صادر کننده با تجربه خوب میداند چطور بسته‌بندی را فراهم کند.

۶۰- شماره ۶۱ فهرست صفحه ۴۲ و شماره ۱۱۳ صفحه ۲۸۳ و ارقام دولتی.

۶۱- آمار دولتی - سهمیه‌بندی طوری با دقت اجرا می‌شده که بین آن ارقام و صادرات اختلاف کم است.

۶۲- آمار دولتی ۱۸۵۵-۱۸۹۰.

۶۳- آمار دولتی ۱۹۰۰ و شماره ۶۱ فهرست - ارزش پنبه در آمار ایران خیلی کمتر از آمار روسیه است و این نتیجه اظهارنامه روسها به گمرک روسیه است که تا کمتر گمرک بپردازند. در ارقام مربوط به وزن زیاد اختلافی بین آمار ایران و روسیه نیست.

۶۴- آمار بازرگانی انگلیس با ایران و شماره ۶۱ و ۸۱ فهرست.

۶۵- شماره ۱۱۴.

۶۶- آمار دولتی ۱۸۹۹.

۶۷- آمار دولتی ۱۹۰۴. در آمار ایران رقم بسته‌های پستی تقریباً دو برابر رقم آمار روسیه است و نویسنده پاسخی برای این سؤال نیافت.

۶۸- شماره ۱۵۱ فهرست.

۶۹- شماره ۸۵ و شماره ۱۵۸.

۷۰- شماره ۱۱۵ و ۱۱۶ فهرست.

- ۷۱- شماره ۶۱ صفحه ۳۷ و ۳۸.
- ۷۲- ارقام آمار روسیه و ایران در مورد وزن پنبه خام صادر شده نزدیکتر از ارقام مربوط به قیمت است.
- ۷۳- برای اطلاع بر جزئیات آن مراجعه به شماره ۹۵ فهرست مصطفی خان فاتح و شماره ۶۱ و ۱۵۱ بشود.
- ۷۴- آمار دولتی ۱۹۰۰-۱۹۱۳.
- ۷۵- شماره ۶۱.
- ۷۶- شماره ۱۱۶ و ۶۸ سال ۱۹۵۷ و ۱۹۱۲.
- ۷۷- شماره ۶۲ و ۶۱ و ۱۱ و ۶۷ و آمار دولتی.
- ۷۸- این قیمت بر اساس نوشته رابینو شماره ۹۶ صفحه ۲۶۹ و ۱۵۱ و ۶۷ و ۱۵۷ و ۴۴.
- ۷۹- فاتح صفحه ۲۶ با اینکه امتیاز لیانوزوف در موارد مختلف مورد بحث بوده، ولی حقیقت اینست که اتباع روسیه از زمان پیش انحصار ماهیگیری ایران را حتی پیش از امتیاز لیانوزوف داشتند. در ۱۸۳۷-۱۸۴۵ یک نفر از اصناف روسی بنام میرباقرافوف وجهی برای ماهیگیری در سفیدرود و بندرگز میپرداخت. ماهیگیری مازندران در دست یک نفر ارمنی اهل هشترخان بود، بنام سودژافوف و همیشه قایقها و ماهیگیرها روسی بودند، زیرا ایرانیان ماهیگیری را گناه میشمردند. حتی دست زدن به ماهی باستثنای ماهی سفید را نجس میشمردند. از این جهت روسها و ترکمانهای ماهیگیر از دریای مازندران استفاده نمیکردند و به این مناسبت مخالفت ایرانیان علیه امتیاز لیانوزوف بیجهت بود - کتاب شماره ۹ فهرست

صفحه ۲۶-۲۷.

- ۸۰- شماره ۷ فهرست - تاریخ امتیاز لیانوزوف درست معلوم نیست. هر پنج سال یکبار تجدید میشد تا اواخر قرن نوزدهم، آنوقت تا ۱۹۲۵ تمدید شد و شاید سبب اختلاف همین مطلب باشد. تاریخ شروع را معمولاً سال ۱۸۸۶ مینویسند.
- ۸۱- در شماره ۴۶ فهرست و شماره ۶۱ و آمار ۱۸۹۵ و ۱۸۹۸ تا ۱۹۱۳ - بین ارزش اظهار شده به گمرک ایران و گمرک روسیه اختلاف زیاد است. دولت ایران از صادرات ماهی و محصولات آن چیزی نمیگرفت و از این جهت هر رقمی که لیانوزوف اظهار میداشت قبول میکردند. گمرک روسیه فقط ۵ درصد از ماهی ایران گمرک وصول میکرد. براین اساس باید رقم آمار روسیه صحیح تر باشد.
- ۸۲- شماره ۴۷ فهرست.
- ۸۳- شماره ۱۱۷ فهرست.

جدول یک

تفاوت بازگشتی ایران در روسیه از ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۴

به میلیون روبل

سال	روبل حواله		روبل طلا		جمع
	از ایران	به ایران	از ایران	به ایران	
۱۳۰۵	۱۴/۱	۱۳/۳	۲۷/۴	۵/۴	۱۰/۹
۱۳۰۶	۱۲/۸	۱۰/۱	۲۲/۹	۵/۱	۹/۱
۱۳۰۷	۷/۳	۸/۴	۱۵/۷	۳	۴/۲
۱۳۰۸	۷/۴	۳	۱۰/۴	۳	۴/۲
۱۳۰۹	۶	۲/۳	۸/۳	۲/۵	۳/۴
۱۳۱۰	۶/۷	۲/۳	۹	۲/۸	۳/۷
۱۳۱۱	۸/۴	۳/۴	۱۱/۸	۳/۴	۴/۸
۱۳۱۲	۷/۹	۴/۱	۱۲	۳/۳	۵
۱۳۱۳	۱۰/۳	۳/۶	۱۳/۸	۴/۲	۵/۶
۱۳۱۴	۹/۹	۲/۴	۱۲/۳	۴/۳	۵/۳
۱۳۱۵	۳/۳	۰/۹	۴/۲	۵	۶/۳
۱۳۱۶	۳/۱	۰/۸	۳/۸	۴/۷	۵/۸
۱۳۱۷	۳/۴	۰/۹	۴/۳	۵	۶/۳
۱۳۱۸	۳/۲	۰/۸	۴/۱	۴/۷	۵/۸
۱۳۱۹	۲/۹	۰/۸	۳/۷	۴/۳	۵/۵
۱۳۲۰	۳/۳	۰/۶	۳/۹	۴/۸	۵/۷
۱۳۲۱	۳/۱	۰/۵	۳/۶	۴/۶	۵/۴
۱۳۲۲	۳/۸	۰/۷	۴/۵	۵/۷	۶/۷
۱۳۲۳	۴	۰/۷	۴/۶	۵/۶	۶/۶
۱۳۲۴	۴	۰/۷	۴/۷	۵/۷	۶/۷
۱۳۲۵	۳/۸	۰/۹	۴/۷	۵/۶	۷
۱۳۲۶	۳/۹	۰/۹	۴/۸	۵/۷	۷
۱۳۲۷	۲/۸	۰/۹	۳/۷	۴/۱	۵/۵
۱۳۲۸	۳	۰/۸	۳/۸	۴/۵	۵/۷
۱۳۲۹	۳/۶	۰/۸	۴/۴	۵/۱	۶/۳
۱۳۳۰	۴/۲	۱	۵/۲	۵/۹	۷/۳
۱۳۳۱	۴/۲	۰/۹	۵/۱	۶/۳	۷/۶
۱۳۳۲	۴	۰/۹	۴/۹	۵/۷	۷
۱۳۳۳	۴/۱	۱/۲	۵/۳	۵/۸	۷/۶
۱۳۳۴	۳/۸	۱/۲	۵	۴/۸	۶/۳

ادامه جدول ۱

سال	روپيل حواله			روپيل طلا		
	ازايران	به ايران	جمع	ازايران	به ايران	جمع
۱۸۹۰	۱۰/۸	۱۰/۹	۲۱/۷	۱۱/۷	۱۱/۹	۲۲/۶
۱۸۹۱	۹/۹	۱۰	۱۹/۹	۹/۹	۱۰	۱۹/۹
۱۸۹۲	۱۱/۳	۹/۳	۲۰/۶	۱۰/۷	۸/۸	۱۹/۵
۱۸۹۳	۱۳/۹	۱۱/۹	۲۵/۹	۱۳/۷	۱۱/۷	۲۵/۴
۱۸۹۴	۱۱/۳	۱۲/۲	۲۳/۵	۱۱/۳	۱۲/۳	۲۳/۶
۱۸۹۵	۱۹	۱۴/۲	۳۳/۱	۱۹/۲	۱۴/۴	۳۳/۶
۱۸۹۶	۱۷/۵	۱۴/۵	۳۲	۱۷/۵	۱۴/۵	۳۲
۱۸۹۷						
۱۸۹۸						
۱۸۹۹						
۱۹۰۰						
۱۹۰۱						
۱۹۰۲						
۱۹۰۳						
۱۹۰۴						
۱۹۰۵						
۱۹۰۶						
۱۹۰۷						
۱۹۰۸						
۱۹۰۹						
۱۹۱۰						
۱۹۱۱						
۱۹۱۲						
۱۹۱۳						
۱۹۱۴						

مأخذ آمار دولتی روسیه مربوط به بازرگانی خارجی و بازرگانی روسیه از مرزهای اروپائی و آسیائی .

* ارقام مربوط بسال ۱۸۳۰-۱۸۳۹ روپيل حواله‌ای و ارقام ۱۸۴۰ - ۱۸۹۵ روپيل نقره و

۱۸۹۶-۱۹۱۴ روپيل حواله بدطلا برابر ۱/۱۵۶ امپريال است اختلاف جمعا " مربوط به حذف

اعشاست =

ادامه جدول ۱

سال	روپيل حواله			روپيل طلا		
	ازايران	به ايران	جمع	ازايران	به ايران	جمع
۱۸۶۰	۳/۸	۱/۱	۴/۹	۵/۳	۱/۶	۶/۹
۱۸۶۱	۳/۸	۱/۲	۵	۵/۱	۱/۶	۶/۷
۱۸۶۲	۴/۱	۱/۱	۵/۳	۵/۳	۱/۴	۶/۸
۱۸۶۳	۴/۶	۱/۱	۵/۷	۶/۷	۱/۶	۸/۳
۱۸۶۴	۶/۵	۱/۴	۷/۹	۷/۵	۱/۶	۹/۱
۱۸۶۵	۴/۸	۱/۷	۶/۵	۵/۹	۲/۱	۸
۱۸۶۶	۵/۲	۱/۷	۶	۵/۳	۱/۸	۷/۱
۱۸۶۷	۵/۳	۱/۳	۶/۶	۷/۲	۱/۸	۹
۱۸۶۸	۳/۹	۱/۴	۵/۴	۵/۱	۱/۸	۶/۹
۱۸۶۹	۴/۹	۱/۴	۶/۳	۵/۶	۱/۶	۷/۲
۱۸۷۰	۴/۳	۱/۷	۶	۵	۱/۹	۷
۱۸۷۱	۳/۹	۱/۴	۵/۴	۵	۱/۸	۶/۹
۱۸۷۲	۴/۹	۱/۷	۶/۶	۶/۳	۲/۲	۸/۴
۱۸۷۳	۴/۳	۱/۸	۶/۱	۵/۴	۲/۳	۷/۷
۱۸۷۴	۴/۹	۱/۸	۶/۷	۶/۳	۲/۴	۸/۸
۱۸۷۵	۵/۲	۱/۹	۷/۱	۶/۸	۲/۴	۹/۲
۱۸۷۶	۵/۱	۱/۷	۶/۸	۶/۱	۲	۸/۲
۱۸۷۷	۴/۹	۳/۲	۸/۱	۵	۳/۲	۸/۲
۱۸۷۸	۷	۲/۶	۹/۷	۶/۸	۲/۶	۹/۴
۱۸۷۹	۷/۲	۳/۴	۱۰/۶	۶/۸	۳/۲	۱۰
۱۸۸۰	۶/۹	۳/۹	۱۰/۸	۶/۶	۳/۸	۱۰/۴
۱۸۸۱	۷/۶	۳/۹	۱۱/۵	۷/۵	۳/۸	۱۱/۳
۱۸۸۲	۸/۵	۴/۴	۱۲/۹	۸	۴/۲	۱۲/۲
۱۸۸۳	۷/۷	۳/۶	۱۱/۳	۷/۱	۳/۳	۱۰/۴
۱۸۸۴	۸/۹	۳/۹	۱۲/۸	۸/۴	۳/۷	۱۲/۲
۱۸۸۵	۹	۳/۹	۱۲/۹	۸/۵	۳/۷	۱۲/۲
۱۸۸۶	۱۰/۳	۶/۱	۱۶/۴	۹/۳	۵/۶	۱۴/۹
۱۸۸۷	۹/۱	۷/۹	۱۷/۱	۷/۶	۶/۶	۱۴/۳
۱۸۸۸	۱۱/۳	۹	۲۰/۳	۱۰/۱	۸	۱۸/۱
۱۸۸۹	۱۱/۶	۸/۸	۲۰/۵	۱۱/۵	۸/۷	۲۰/۲

جدول ۳
واردات از روسیه به ایران در سالهای ۱۸۴۴ و ۱۸۷۰
به هزار روبل

کالا	۱۸۴۴	۱۸۷۰
غله (نا نوگندم)	۳۲/۴	۵۸/۹
آهن	۱۶۹/۲	۲۲۷
مس	۶۳/۹	۱۲۶
لوازم فلزی	۴۹/۱	۱۰۶/۶
چرم روسی	۰/۴	۲
وسایل چرمی	۰/۹	
پوست خام	۱۴/۱	۲۰
مواد رنگی	۱۷/۷	۹۱/۹
پنبه	۱۰/۷	۲۲۵
کتان و شاهدانه	۱۱/۷	۵۰/۳
ابریشم خام	۱۲۵/۵	۳۱
خشکبار	۲۴/۲	۲۱۹
پوست خبز	۴/۶	*
کالای بریشمی	۳۵/۲	۴۱/۸
پشمی	۱۲/۴	۳۶۵/۹
چای	*	۷
چلچراغ	*	۴۲/۷
شکر	*	۱۱/۱
مشروبات الکلی	*	۵/۹
مواد دیگر	۲۳۶/۳	۳۶/۹

* بدست نیامد.

مأخذ OVIET سال ۱۸۴۴ و ۱۸۷۰

جدول ۲
صادرات از ایران به روسیه در سالهای ۱۸۴۴ و ۱۸۷۰
به هزار روبل

کالا	۱۸۴۴	۱۸۷۰
شکر و کالای قندی	۱۷/۹	x
خشکبار و گردو	۱۶۹/۵	۱۰۳۰/۳
پنبه	۱۹/۲	۸۴۴/۲
نخ و پنبه	۶۲	۵۱/۳
ابریشم	۱۸۰/۹	۸۸/۳
چرم	۲۲/۵	x
کالای پنبه‌ای	۱۴۵۶/۲	۱۰۳۷/۱
کالای بریشمی	۵۱۰/۱	۲۶۴/۲
کالای پشمی و فرش	۱۰۳/۹	۶۹/۶
دام زنده	۲۶/۲	۳۰
پوست و خز	۹۶/۴	۱۵۸/۲
گندم و جو	x	۱۴۴/۶
ماهی و خاویار	x	۱۲۷/۶
چرم	x	۱۱۴
مواد رنگی	x	۱۲۱
پشم	x	۴
کالای دیگر	۲۳۶/۸	۲۵۱
جمع	۲۹۰۱/۲	۴۲۹۶

x بدست نیامد.

مأخذ: OVIET ۱۸۴۴ و ۱۸۷۰